

اراده شکست‌ناپذیر

روانشناسان ثابت کرده‌اند که بیش از ۳۵ درصد مردم از عمر خود استفاده نمی‌کنند، حتی کسانی که فعالیت‌های چشمگیر دارند تنها از ۵۰ درصد از عمر و زندگی بهره می‌گیرند، همه اینها معلول کمبودی است که در این مقاله از نظر شما می‌گذرد، و راه مبارزه با آنرا نیز می‌خوانید

گاهی امواج تحولات مردان بر جسته‌ای که وارد صحنهٔ اجتماع میشوند باندازه‌ای وسیع و گسترده است که تمام جوامع انسانی را دربر می‌گیرد و توانایی شدید و کوبنده بافکار بشریت می‌دهد، در حقیقت همین چهره‌های درخشانند که سیمای جهان را عوض میکنند، و حتی طبایع ضعیف و ناتوان را زیر نفوذ نیرومندی خود گرفته بدنبال خویش می‌کشانند و بروحیهٔ آنان نور امید و عمل می‌بخشند. برعکس بسیاری از افراد دیگر موج فعالیت آنها در زندگی بسیار محدود و کوتاه، و با حرکات

در عمق تاریکی‌های دوران حیات بشری نوابنی درخشیده‌اند که نامشان در سر لوحهٔ تاریخ و طومار افتخار ثبت شده است، این مردان تاریخ توانسته‌اند با خصائص و برجستگی‌های روحی خود، تحولات فوق‌العاده و امواج عظیمی را در صحنهٔ حیات بشر، ایجاد نموده، و با اعمال خود جهانی را خیره‌کننده، افکار و شجاعت و شهامت آنها دل‌های توده‌های وسیع و نسل‌های بسیاری را گرم و مشتعل نگاه داشته، گویی شمع وجودشان برای همیشه فروزان و هرگز خاموش-شدنی نیست.

نتیجه تعادلی است که از یک سو کوشش‌های غریزی آنرا حرکت می‌دهد و از سوی دیگر خرد و درایت آدمی در آن نفوذ دارد.

ناتوانی که ناشی از ضعف اراده است نتیجه کوشش‌های مخالف درون آدمی است، ناتوانی عبارت از این نیست که شخص از تصمیم، کاملاً عاری است، بلکه او قادر است بهر کاری که نظر دارد اقدام کند ولی قدرت آنرا ندارد که نیات خویش را از مرحله ذهن، بدنیای خارج منتقل سازد.

افراد بیشماری در این جهان هستند که پرتوهای درونی آنان، ناقص نیست و همچنین در زندگی از امکانات وسیعی برخوردارند، اما علیرغم استعدادها و موقیتهای خاص و پرازش خود؛ کفایت بخرج نمی‌دهند، بسطح عالی و بلند زندگی هم چشم میدوزند ولی قدرت و تصمیم بالا رفتن از زردبان ترقی را ندارند؛ گوئی منتظرند کارهای سخت و پرمشقت را که خود وسیله تمالی و ارتقا است دیگران برایشان بعهده بگیرند، اگر برای عملی شدن خواسته‌های خود جنبشی را آغاز نموده و در آن راه فداکاری نکنند پس چه چیزی می‌تواند وسیله تحقق آمال آنها شود؟

چه بسا نقشه‌های عمیق و سودمندی که میکشند ولی جز لفظ، نتیجه‌ای عایدشان نمی‌گردد و چه طرح‌های عملی و بزرگی که در نظر می‌گیرند اما هرگز از قوه بغل نیامده؛ و اجرا نمی‌گردد.

* * *

ضعف اراده؛ آفت موفقیت است.

باستنی اراده زندگی انسان در شئون مختلف،

خفینی، دفتر حیاتشان بسته میشود و رشته عمرشان در گمنامی قطع گردیده برای همیشه پایان می‌پذیرد. و بالاخره شمع کم فروغ و لرزان وجودشان در تاریکی مطلق، خاموش میگردد.

اختلاف این دونوع شخصیت را باید در روحیات آنها جستجو کرد، چه تباین سطح شخصیت با گستردگی یا محدودیت دایره روح و میزان قدرت درونی افراد، بستگی دارد.

ببینیم رابطه شخصیت‌ها با تحولات چگونه است؟ آیا حوادث و رویدادهای جهان، شخصیت‌ها را در دامان خود میپروورانند و یا اینکه افراد برجسته حوادث را بوجود می‌آورند؟

تجارب علمی ثابت می‌کند که فرد، روی اجتماع و اجتماع روی فرد متقابلاً اثر میگذارد و بالاخره محیط روی انسان و انسان روی محیط مؤثرند، نمیتوان فرد را بیرون از محیط زندگی اجتماعی مطالعه کرد، و در عین حال این افرادند که می‌توانند با قدرت روحی خود، وضع محیط را تغییر داده، و چهره اجتماع را دگرگون سازند.

عامل اساسی در تحولات و انقلابهای اجتماعی همان «اراده» است خواه این اراده از ناحیه فرد پدید آمده باشد یا از طرف اجتماع ولی اهمیت و ارزش فرد بیشتر است؛ زیرا این رهبرانند که قدرتهای ملی را بسوی هدفهای سعادت بخش و مطلوب؛ رهنمون گردیده، سر نوشت جامعه را بسوی آینده درخشان و پرشکوه، میکشاند.

برای اینکه مجری اوامر عقل باشیم روح ما قدرتی بنام «اراده» بما بخشیده است، اراده انسان

در تنگنای سختیها، پرورش می یابد و در هر مرحله ای از عمر باشند همیشه می توانند مقامی در عالم ، برای خود پیدا کنند.

اصولا برخی از افراد تا با دشواریها روبرو نشوند ، بخود نمی آیند و بیدار نمیشوند ، درختی که مجبور شده از میان صخره ها راه خود را باز کند بعلت پیکاردائم با عوامل نا مساعد بدرختی پرتاقت و سطر بمبدل میگردد؛ و در برابر طوفان - های کوبنده ، مقاومت و سرسختی نشان خواهد داد. یکی از دانشمندان روانشناس میگوید: « به جوانان

باید یاد داد که : برای رسیدن به هدف و منظور خود نباید انتظار داشته باشند در جاده کوبیده و صاف ، طی طریق خواهند کرد ، کمتر کسی بدون برخورد با مشکلات دلسرد کننده بجائی رسیده است، هر گاه ما بطرز صحیح ، با مشکلات روبرو شویم ، مشکلات نه تنها مانعی فرا راه ما نخواهند بود بلکه به پیشرفت و ترقی ما کمک خواهند کرد هیچ تمرینی مفید تر از تلاش برای غلبه بر مشکلات نیست .»

بسیاری از مردم چون در زندگی زیر فشار شدائد قرار نکرده ، با مشکلات دست و پنجه نرم نکرده اند ، نیروهای خفته آنان بیدار نشده و در نتیجه ؛ جامعه از ثمره وجودی این افراد محروم گشته است.

* * *

روانشناسان ثابت کرده اند که پیش از سی و پنج در صد افراد عادی از عمر خود استفاده نمیکنند، و حتی کسانی که فعالیتشان چشمگیر است و به مراحل قابل توجهی می رسند و بالاخره در های کامیابی برویشان گشوده می شود ، تنها از پنجاه

حتماً با شکست پایان می یابد و بدبختیها بعلت خاموشی آن، جان می گیرند ، نه استعداد و نه نبوغ ، هیچکدام نمیتوانند جای اراده نیرومند را بگیرند. چه فایده دارد انسان دارای استعدادها و مواهب فوق العاده باشد اما در راه رسیدن بمقصود ، آنها را مورد استفاده قرار ندهد ؟ دانش و معلومات کافی بدرد نمیخورد مگر آنکه شخص این سرمایه را بکمک اراده در راه وصول به هدف خود بکار گیرد . فکر کنیم اگر نوع بشر فاقد عزم و اراده بود چه حالی پیدا میکرد ؟ و کره زمین چه شکلی بخود میگرفت و قانون تکامل و ترقی در کجا پیاده میشد ؟.

این واقعیت با مطالعات تاریخی روشن میشود که اصولا کشفیات و ابتکارات انسانی همه مرهون اراده مردانی بوده است که با پشتکار و عزم راسخ و استوار ، موانع و مشکلات را از پیش پای خود برداشته و در نتیجه به پیروزیهای درخشانی رسیده اند ، سختی و دشواری در برابر نبوغ و اراده کسیکه شکست را نمی شناسد ؛ محکوم ب فنا است.

کامیابی و موفقیت ، يك قاعده و فرمول خاصی ندارد که کسی در پنهانی آن را کشف کرده باشد ؛ بلکه موفقیت نتیجه طبیعی تلاش و کوشش در راه انجام کارها است ، در این جهان مردانی در صفا اول قرار میگیرند ، و از میان موانع و مشکلات میگذرند که دارای اراده ای نیرومند باشند و همچون عقاب از تند بادهای پرواز بنقاط بلند مدد گیرند ، برای اینگونه افراد که ابتکار دارند هیچ مشکلی موجب از کار افتادن تصمیم آنها نشده ، بلکه شکست را وسیله ای برای پیروزشدن می شمارند. روحیه شان

و اراده ای که از احساسات آلوده و غرور و خودپرستی الهام میگیرد، یک دنیا فاصله است آن یکی مابۀ خوشبختی و سعادت انسان و اساس موفقیت است، و دیگری موجب بدبختی و سقوط آدمی است.

آنکس که بخاطر ارضاء حس خودپرستی اراده خود را برای ارتکاب هر نوع جنایت و اعمال خلاف شرافت انسانی، بکار میگیرد؛ بحقیقت از آزادگی، محروم و در اسارت هواهای نفسانی گرفتار است، بر صفحات تاریخ بشریت لکه های خونین و نقطه های تاریک از آثارشوم این نوع اراده های لجام گسیخته، فراوان دیده میشود.

همین انسانی که هنگام برخورد با کوچکترین مصائب زندگی راه انتحار و خودکشی را بر میگزیند دچار ضعف عقل و فاقد روح شجاعت و مردانگی است، چه، او در برابر مشکلی از انبوه مشکلات زندگی، که سراسر شئون آدمی را دربر گرفته است، زانوی ناتوانی بر زمین زده، و با عمل خودسند زبونی و حقارت خویش را امضاء کرده است.

در صدد از عمر و زندگی خویش بهره می گیرند. برخی اشخاص وقتی بمرحله معینی از پیشرفت میرسند، رشد آنها متوقف میگردد، و نمی توانند فعالیت خود را وسیعتر و گسترده تر ساخته و از مرتبه ای که در آن قرار گرفته اند پارسا فراتر نهند، و پیاپی بلندتر و افق دورتری برسند.

اینگونه افراد در حقیقت آزمایائی که پایه و اساس بالابردن ارزش انسانی است بهره کمی دارند؛ ولیاقت پیشرفتشان محدود می باشد؛ برای تعالی و ترقی؛ صلاحیت و اراده شخص، بزرگترین سرمایه زندگی او است، میتواند این سرمایه را از دست بدهد و یا بر آن بیفزاید.

برای مقاومت و پایداری در برابر فشار هوسهای آلوده و نابودکننده به اراده محکم و استوار نیاز مبرم داریم، شرط اساسی برای اینکه ما از اراده خود، نتیجه صحیح و پسندیده بگیریم این است که همواره تصمیم و اراده ما از اوامر عقل پیروی کند، بین اراده عالی که منکی بعقل و وجدان است با تهور

آرزوی محال!

از جان برون نیامده جانانت آرزوست
 ز نار نابریده: و ایمانت آرزوست
 موری نه ای و خدست موری نکرده ای
 و آنگاه صفه مردانت آرزوست!
 فرعون و اولاف انا الحق همی زنی
 و آنگاه قرب موسی عمران است آرزوست!